تحلیل و تبیین عمل تعلیم و تربیت در پرورش هویت بر مبنای وضعیت‌های هویت‌یابی

مرتضی چمل نژاد[۱]، مختار ذاکری[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۵/۱۳

چکیده

مفهوم هویت با پرسش "من چه کسی هستم" از نخستین دوره‌های حیات انسانی همواره مطرح بوده و در هر دوره‌ای پاسخی به‌خود گرفته است. هویت در هر دوره‌ای متاثر از شرایط و ویژگی‌های بافتی جوامع و اعصار، مفهوم ویژه‌ای یافته است. تلاش نگارندگان بر این است که در نگاه اول مفهوم هویت را در فضای پدیدارشناسانه مورد تامل قرار داده و سپس چگونگی عملکرد تعلیم و تربیت بر اساس وضعیت‌های هویتی را تبیین کند. سؤال اصلی پژوهش عبارت‌است‌از اینکه عمل تعلیم و تربیت در پرورش هویت بر مبنای وضعیت‌های هویت‌یابی چگونه بایستی به انجام رسد؟ این پژوهش از اشکال پژوهش‌های فلسفی و با روش تحلیلی- استنتاجی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که بر مبنای وضعیت‌های هویتی مطلوب، شبه هویت، جعل هویت و بحران هویت، مشخص می‌شود که این خود فراگیر است که باید مسیر هویت‌یابی را طی کند و در واقع وظیفه‌ی اصلی تعلیم و تربیت ایجاد بستر مناسب و امکان رویارویی با زمینه‌های اساسی و مهم هویتی است؛ در بحث‌های هدف‌گذاری، روش‌ها و موقعیت‌های یادگیری این فراگیر است که در مرکز قرار دارد و در واقع محور و اساس برنامه‌های تعلیم و تربیت است و تنها با این شرایط و تحقق کامل عناصر سه‌گانه است که وضعیت مطلوب میسر می‌شود.

واژه های کلیدی: هویت، عمل تعلیم و تربیت، مولفه‌های هویتی، عناصر تعلیم و تربیت

مقدمه

به این داستان از ملا نصرالدین، شوخ‌طبع مشرق‌زمین، توجه کنید: ملا قصد سفر به یک شهر غریب کرد. قبل از اینکه به سفر برود، همسرش یک نشان را که نام ملا، بر روی آن نوشته شده بود، دور گردن وی انداخت؛ به‌این منظور که هویتش را فراموش نکند. زمانی که ملا به شهر رسید، شب اول را در یک کاروان‌سرا گذراند. وقتی ملا به خواب رفت، یک فرد لوده، نشان را از گردن ملا جدا کرد و بر گردن خودش انداخت. وقتی ملا بیدار شد، از اینکه نشانش را بر گردن فرد لوده یافت، ترسید و در حالیکه گریه می‌کرد، گفت که تو، من هستی و اگر تو، من هستی پس "من چه کسی هستم"؟!

۱. کارشناس ارشد فلسفه آموزش و پرورش(گرایش تعلیم و تربیت اسلامی)، دانشگاه پیام نور تهران، mchn63@yahoo.com
۲. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ، مدرس دانشگاه فرهنگیان، mokhtarezakeri@yahoo.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

معمایی که ملا در این داستان با آن مواجه شد، یک مورد خنداه‌دار است اما با این وجود، به مسائل مرکزی وجود انسانی شامل رابطه‌ی خود و دیگری، بحران هویت و ساخت هویتی اشاره دارد (لیندهلم[1]، ۱۹:۲۰۰۸).

اینک شرح‌حال یک پرسش‌گر از مغرب‌زمین که سوال "من چه کسی هستم"، برایش مسئله‌ساز شده بود را مرور می‌کنیم: وی یک جوان سی و دو ساله بود که در سال ۳۸۶ پیش از میلاد، از یک پیشینه ی اجتماعی سطح پایین به یک منزلت اجتماعی بالایی، در میلان ایتالیا رسیده بود. وی در زندگینامه‌اشمی‌نویسد که من خودم را پشت سرم قرار داده بودم تا از دیدن خودم امتناع کنم چرا که احساس می‌کردم که خود درونی‌ام، تبدیل به خانه‌ای شده است که در مقابلم قرار گرفته و از من جداست. وی بیان می‌کند، تنها زمانی از این وضعیت بحرانی، نجات یافت که جذب کتاب مقدس شد و آن‌را مطالعه کرد. در آن زمان وی احساس کرد که به‌عنوان یک مسیحی و همین‌طوربه‌عنوان یک فرد کاملا جدید، دوباره متولد شده است. این شخص سنت آگوستین بود. آگوستین در روایت دراماتیکش برای ما، توصیف اولیه‌ای از یک فرد خودآگاه نسبت به زمان و فرهنگ و خود موجودش فراهم آورد و از این‌رو، یکی از آغازگران دل‌مشغولی غرب از مسئله‌ی هویت و خوداکتشافی و خوداگاهی است. روایت وی،بیان‌گر مباحث خودجستجوگری، خودپرسش‌گری، خوداکتشافی، خودتوضیحی و خودسنجی است (همان:۳۴).

دو روایت فوق از مشرق و مغرب‌زمین، اشاره به یکی از مهمترین و چالش‌برانگیزترین موضوعاتی دارد که از آغاز آفرینش،تاکنون،دغدغه‌ی اهالی مذهب، فیلسوفان، ادیبان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، تحت عنوان **هویت**، بوده‌است. مفهوم هویت با پرسش "من چه کسی هستم" از نخستین دوره‌های حیات انسانی همواره مطرح بوده و در هر دوره‌ای، پاسخی از سوی افرادی که در آن دوره‌ی خاص و بافت منحصربفردمی‌زیسته‌اند، به خود گرفته است.

جستجوی انسان برای درک جایگاهش در طبیعت،به‌اندازه‌ی خود تجربه‌ی انسانی قدمت دارد. می‌توان افراد زیادی که از بزرگترین متفکران دوران خود بوده‌اند را یافت که درباره‌ی ماهیت انسان از زمان‌های باستان تا حال حاضر، در همه‌ی نقاط جهان از شرق گرفته تا غرب، تأمل کرده‌اند و نظریاتی مطرح ساخته‌اند. در این میان فلسفه و مذهب در پردازش مفهوم هویت انسانی در تاریخ بشر پیشگام بوده‌اند بطوریکه در یونان و هند باستان،

1.Lindholm

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

حکمای بزرگ از جمله سقراط و یاجناوال کیا[1]، افراد را به فهم خود ترغیب می‌کرده‌اند و اینکه سه شعبه‌ی بزرگ فلسفه شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و اخلاقیات در ارتباط با مسئله‌ی هویت هستند. در دوره‌ی معاصر نیز، علم انسان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، توجه زیادی به این مفهوم داشته‌اند.

"خودت را بشناس" که سردر معبد دلفی درج شده‌است، به مسئله‌ی تاریخی هویت، اشاره دارد. مبحث هویت یا تلاش برای پاسخ‌گویی به پرسش "من کیستم"، موضوع تازه‌ای نیست و از دیرباز، ذهن بشر را به‌خود مشغول کرده است. بااین‌حال،نه‌تنها هرگز کهنه نشده بلکه مهم‌ترین مسئله و دغدغه‌ی انسان عصر نو به حساب می‌آید، به‌طوریکه امروز آن‌چنان برجستگی یافته که به شاه‌بیت مطالعات اجتماعی بدل شده و به‌ویژه در نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی واجد جایگاهی محوری شده است (محسنی و دوران، ۱۳۸۳: ۸۱– ۸۲، به نقل از علیخانی).

کمتر مفهومی است که به اندازه‌ی هویت، واجد معانی متعدد باشد. تلاش برای تعریف هویت را شبیه تلاش برای نام‌گذاری رنگ باد دانسته‌اند؛ از هرکسی پرسیده شود، پاسخ متفاوتی خواهد داد (پارانجپی[2]، ۲۰۰۲: ۱۸).

دغدغه‌ی مکاتب تربیتی در دوران‌های مختلف، یاری رساندن فرد در جهت رسیدن به معنایی از هویت اصیل و عامل بوده است چرا که داشتن اصالت برای داشتن یک زندگی خوب دغدغه‌ای محوری است. خودرهبربودن در درجه نخست، مستلزم شناخت اعتقادات و احساس‌ها و در درجه‌ی دوم مستلزم بیان صادقانه آن اعتقادات و احساس‌ها در اعمالی است که انجام می‌دهیم.

ضرورت بحث از هویت، در این است که داشتن تعریفی از خود، اولین قدم، نه‌تنها در ایفای نقش، بلکه از مقدمات انسان‌بودن است. از ابتدای ظهور بر روی کره‌ی خاکی، انسان مرتب از کیستی و چیستی خود پرسیده است. مطالعه‌ی تاریخ در خصوص تجربه‌های گذشته‌ی بشری و مطالعه‌های فرهنگی و جامعه‌شناسانه، دلالت بر یک اصل کلی دارد؛ اگر تکلیف مقوله‌ی هویت، در میان یک گروه و یا یک ملت معلوم باشد و در خصوص حدود آن، اجماع نظری کلی حاصل شود، اولاً تک‌تک افراد، احساس اعتمادبه‌نفس می‌کنند و ثانیا جامعه و گروه به‌طور کلی جهت و هدف خود را مشخص می‌بینند (رجایی، ۱۳۸۵: ۴۰–۴۱).

1.Yajnavalkya
2. Paranjpei

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

در داخل کشور، کسانی هم‌چون ابوالحسنی (۱۳۸۷)، نصری (۱۳۸۸)، گودرزی (۱۳۸۷)، رضایی و جوکار (۱۳۸۸)، شمشیری (۱۳۸۷)، فیاض (۱۳۸۸)، راهدار (۱۳۸۲)، ذوالفقاری (۱۳۸۶)، جوانی (۱۳۸۴)، ساجدی (۱۳۸۴)، عیوضی (۱۳۸۹)، خسروی (۱۳۹۰)، ربیعی(۱۳۸۷)، معینی علمداری(۱۳۸۴)، علیپور (۱۳۸۳)، ابراهیمی (۱۳۸۹)،اخگری(۱۳۹۰)،رعفت جاه و شکوری(۱۳۹۰) به بررسی این مفهوم پرداخته‌اند.

علی‌رغم تلاش‌های فوق و پژوهش‌های مشابه دیگری که در جهت روشن‌سازی مفهوم هویت و از سویی دیگر طرح مسأله‌ی هویت در کتاب‌های درسی به انجام رسیده است، نگاه تربیتی شایان‌توجه و کارگشا پیرامون این مفهوم از سوی پژوهش‌گران داخلی و همچنین ارائه‌ی یک مسیر صورت نگرفته است و همچنان هویت به عنوان یک مسأله، خودنمایی می‌کند. از این‌رو نگارنده با مشاهده‌ی این خلاء پژوهشی و تربیتی بر آن است تا تلویحات این مفهوم را در فضای تعلیم و تربیت مورد تحلیل قرار دهد و با این اقدام، گامی هرچند کوچک، به جلو بردارد.

توضیح بیشتر در ارتباط با مسأله‌ی پژوهش اینکه، از آنجایی که نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای، کوشش اصلی خود را بر پرورش هویت فراگیران قرار می‌دهد و از آن‌جا که در این زمینه، کوشش چندانی در سطح نظام تعلیم و تربیت جامعه‌مان به‌انجام نرسیده است، در این پژوهش این مسأله را موردمطالعه قرار می‌دهیم. به‌طورکلی، نگاه تربیتی به مسأله‌ی هویت، به‌رغم سخنان و نظرات زیاد در این حوزه، کمتر صورت گرفته است. این در حالی است که لزوم بررسی این مفهوم در حوزه‌ی تعلیم و تربیت، بیش از پیش به‌نظر می‌رسد؛ چرا که این شیوه‌های تربیتی است که فرد را صاحب اندیشه، منتقد و صاحب هویتی اکتسابی یا اصیل، پرورش داده و یا این که وی را موجودی منفعل و مقلد و دارای هویتی تجویزی بار می‌آورد. این به‌ویژه در نظام تربیتی ما، با توجه به شرایط خاص کشورمان که شرح آن گذشت، نیازمند توجه بیشتری است.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، تلاش نگارندگان بر این است که در نگاه اول مفهوم هویت را در فضای پدیدارشناسانه مورد تامل قرار داده و سپس چگونگی عملکرد تعلیم و تربیت بر اساس وضعیت‌های هویتی را تبیین کند. سؤال اصلی پژوهش عبارت‌است‌از اینکه عمل تعلیم و تربیت در پرورش هویت بر مبنای وضعیت‌های هویت‌یابی چگونه بایستی به انجام رسد؟ این پژوهش از اشکال پژوهش‌های فلسفی و با روش تحلیلی-استنتاجی انجام شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

طرح پژوهش، طرحی غیرپیدایشی است؛ زیرا مؤلفه‌ها ازپیش‌مشخص هستند. در این طرح، پژوهش‌گر، ضمن بهره‌گیری از روش‌های داده‌یابی و داده‌کاوی کیفی، ابتدا به جمع‌آوری و سپس تحلیل داده‌ها اقدام می‌کند (میکات[1]، ۱۹۶۴).

بحث اصلی

در بحث هویت با سه مفهوم اساسی مبانی هویتی به‌عنوان منبع‌ها و بنگاه‌های معنایی هویت‌یابی، مؤلفه‌های هویتی به‌عنوان بایدها و ضروریات هویت‌یابی و فرایندهای بنیادین هویت‌یابی به‌عنوان مراحل و سطوح اساسی جریان هویت‌یابی رویارو هستیم. این سه عنصر، در واقع سه ضلع اصلی مثلث هویت‌یابی را شامل می‌شوند. از این‌رو پایه‌های مدل هویت‌یابی پیشنهادی پژوهش بر این سه عنصر کلیدی استوار است که در ادامه به تشریح آن می‌پردازیم[2].

این مدل، مجموعه‌ای سه‌عضوی متشکل از مبانی، مؤلفه‌ها و فرایندهای بنیادین هویت‌یابی است که در ابتدایی‌ترین شکل، به‌صورت زیر نمایش داده می‌شود:

{ {مبانی} ، {مؤلفه‌های هویتی} ، {فرایندهای هویت‌یابی} }

بر اساس این مدل، شروع فرایند هویت‌یابی با قرارگرفتن فرد در یک زمینه‌ی مبنایی هویتی است. پس از اینکه فرد با یک زمینه‌ی هویتی مواجه شد، یک تصویر اولیه از حضور در آن زمینه‌ی ویژه برای وی حاصل می‌شود که معادل با فرایند خروج از بی‌تعینی است. فرد در راستای توسعه‌ی این تصویر، نشانه‌هایی از وضعیت جدید هویتی را در خود بروز می‌دهد. مؤلفه‌های هویتی نیز در حد فاصل مرحله‌ی خروج از بی‌تعینی تا مرحله‌ی استقرار هویتی در فرد ظهور می‌یابد. چنانچه دو مرحله‌ی اول از فرایند هویت‌یابی به‌گونه‌ی مطلوبی طی شود و معیارهای مربوط به هر یک از مؤلفه‌های هویتی نیز برای فرد محقق شود، فرد وارد مرحله‌ی استقرار هویتی می‌گردد که در این مرحله، وضعیت هویتی در فرد درونی و تثبیت می‌شود. باید توجه کرد که به محض واردشدن و تماس‌یافتن با یک مبنای جدید هویتی و احساس حضور فرد در این زمینه‌ی مبنایی، فرایند هویت‌یابی شروع و

1. Micat

۲. شرح کامل مدل ارائه شده در رساله پژوهشگر موجود است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

فرد درگیر یک جریان هویتی می‌شود. در این مرحله، راه گریزی برای فرد از درگیرشدن با این زمینه‌ی جدید هویتی وجود ندارد و فرد باید تکلیف وضعیت جدید پیش‌آمده را مشخص کند. بین این رویارویی اولیه تا استقرار هویتی، وضعیت‌های مختلفی امکان به‌وجودآمدن دارند که در این بین، چه جریان هویتی به‌گونه‌ای مطلوب طی و چه با اشکالاتی مواجه شود، دغدغه‌ی هویتی برای فرد پابرجا خواهد بود و یک وضعیت ویژه‌ی هویتی در انتظار فرد خواهد بود (ذاکری، ۱۳۹۴: ۱۸۷).

با توجه به اینکه با چهار دسته مبانی هویتی روبرو هستیم و بر اساس مجموعه‌ی فوق، این مدل ارائه‌کننده‌ی چهار وضعیت کلی هویت‌یابی است که هر یک از وضعیت‌ها متشکل از سه عضو و زیرمجموعه به شکل زیر است:

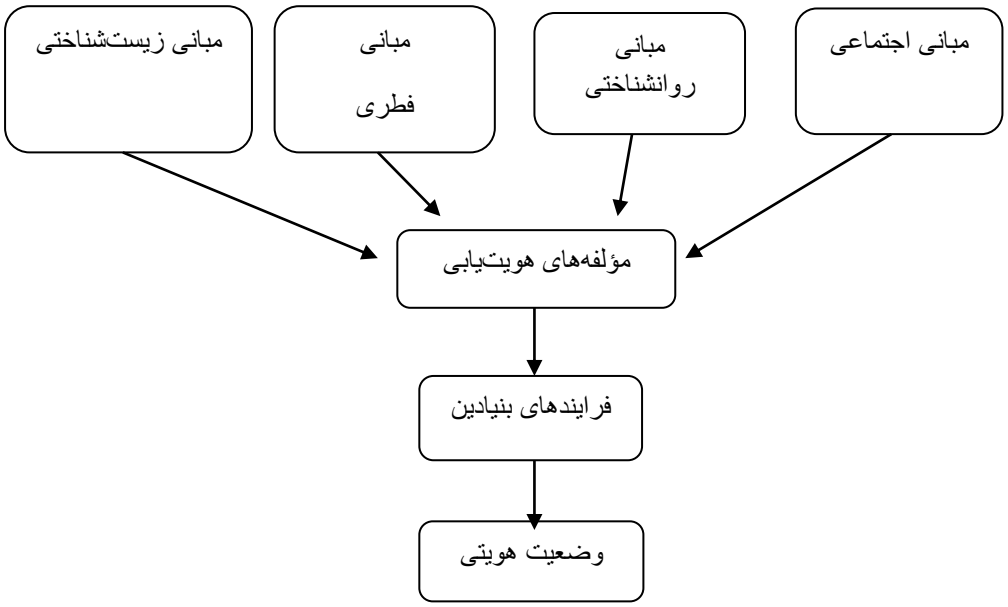

آنچه بین این چهار وضعیت کلان هویتی، تمایز ایجاد می‌کند، تفاوت در مبانی است؛ همانگونه که قبلاً به‌آن اشاره کردیم. از آنجا که با چهار دسته مبانی کلی روبرو هستیم، درنتیجه چهار مجموعه‌ی هویتی قابل‌طرح است. البته درون هر یک از این چهار وضعیت کلان هویتی، وضعیت‌های جزئی نیز قابل‌تصور است چرا که در هر دسته از مبانی با تنوع روبرو هستیم و بسته به اینکه چه عامل یا زمینه‌ای مبنا قرار گیرد، یک وضعیت ویژه‌ی هویتی را خواهیم داشت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

این چهار وضعیت کلان هویتی که در بالا بحث شد، اَشکال گوناگون هویت‌یابی هستند. یکی از حالت‌های ممکن در مورد این چهار وضعیت، این است که فرد در ارتباط با زمینه‌های مبنایی، حضور آگاهانه‌ای داشته است، همه‌ی مؤلفه‌ها به‌نحو مطلوب تحقق پیدا کرده و همه‌ی فرایندهای هویتی به‌ثمر نشسته باشند. این درصورتی است که وضعیت‌هایی قابل‌طرح و ایجادشدن است که مؤلفه‌ها به‌نحو مناسب تحقق پیدا نکرده و یا همه‌ی فرایندها در فرد هویت‌یاب طی نشده باشد که این امر دامنه‌ی وضعیت‌های هویتی را گسترش می‌دهد.

همانگونه که بیان کردیم، با سه مجموعه‌ی مبانی، مؤلفه‌ها و فرایندهای بنیادین در هویت‌یابی مواجه هستیم. در هر یک از این سه مجموعه که درواقع زیرمجموعه و عضو مجموعه‌ی بزرگ‌تر وضعیت‌های هویتی هستند، حالت‌های مختلفی امکان بروز دارد؛ ارتباط فرد با مبانی می‌تواند آگاهانه و فعال و یا ناگاهانه و منفعل باشد؛ از این‌رو دو حالت ایجاد می‌شود. همچنین مؤلفه‌ها می‌تواند به‌گونه‌ی قوی، سطح بالا و مطلوب در فرد جاری شود و یا اینکه درجه تحقق آن در فرد هویت‌یاب ضعیف باشد که در اینجا نیز دو حالت ایجاد می‌شود. در ارتباط با فرایندهای بنیادین نیز این حالات قابل‌طرح است که همه‌ی فرایندهای بنیادین هویتی در فرد ظهور یابد و یا اینکه این عمل یعنی تحقق مقوله‌ها، به‌گونه‌ای ناقص صورت گیرد.

بحث قوی و ضعیف‌بودن ظهور و تبلوریافتن مؤلفه‌های هویتی در فرد، بر اساس درجه‌ی تحقق ملاک‌هایی است که برای هر کدام از مؤلفه‌ها تعریف شده است. در صورتی‌که تمامی ملاک‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها به شکل مطلوبی محقق شده باشند، می‌گوییم تحقق مؤلفه‌ها، قوی است اما اگر برخی ملاک‌ها یا هیچ‌کدام تحقق نیابد، می‌گوییم مؤلفه‌ها، محقق نشده یا به‌صورت ضعیف بوده است. مسئله‌ی دیگر در ارتباط با بحث تحقق ضعیف و قوی مؤلفه‌ها، این است که برخی مؤلفه‌ها ممکن است به‌نحو مطلوبی تحقق یابد اما برخی دیگر ناقص و ضعیف شکل گیرد. در این شرایط نیز می‌گوییم که درجه‌ی تحقق مؤلفه‌ها به‌طورکلی ضعیف است و فردی که چنین شرایطی داشته باشد، در زمره‌ی وضعیت‌های هویتی قرار می‌گیرد که درجه‌ی تحقق مؤلفه‌های آن‌ها ضعیف فرض می‌شود. این‌طور باید گفت که حتی اگر فرد در تحقق یکی از مؤلفه‌ها عمل‌کرد ضعیفی داشته باشد، وضعیت کلی وی نیز ضعیف تلقی می‌شود. علاوه بر این، بین تحقق مؤلفه‌های هویتی یک نوع ارتباط وجود دارد بدین‌گونه که تحقق هر یک از مؤلفه‌ها، مسیر را برای تحقق مؤلفه‌ها دیگر هموار می‌کند و برعکس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

تحقق‌نیافتن برخی مؤلفه‌ها از تحقق مؤلفه‌های دیگر ممانعت به‌عمل می‌آورد. بنابراین چنانچه بخواهیم هویت مطلوبی را داشته باشیم، لازم است زمینه‌ی تحقق کلیه‌ی مولفه‌های هویتی را فراهم سازیم.

همچنین در ارتباط با حضور آگاهانه در زمینه‌ی مبنایی که فرایند هویت‌یابی در ارتباط با آن شکل می‌گیرد، باید گفت که در راستای ایجاد جریان هویت‌یابی سالم، شناسایی مبانی و بررسی سازگاری آن‌ها با مبانی پیشین هویتی برای فرد امری الزامی است. از این‌روست که در این نوشتار قائل به این هستیم که حضور آگاهانه و همراه با تدبر در مبانی و زمینه‌های هویتی برای شکل‌گیری هویت سالم امری ضروری تلقی می‌شود. مسئله‌ی خودآگاهی در اینجا شرط است چرا که بدون شناخت وضعیت‌های هویتی پیشین و مبانی مربوط به‌آن وضعیت‌ها، امر تطبیق مبانی جدید با مبانی پیشین منتفی است. از طرفی حضور آگاهانه در زمینه‌ی مبنایی، فرصت بررسی گزینه‌های هویتی و انتخاب را برای فرد فراهم می‌سازد و از تحمیل زمینه‌ی هویتی جلوگیری می‌کند. با توجه به توضیحات داده‌شده، وجه دیگر مدل پیش‌رو به‌گونه‌ی تشریح شده در جدول ۱ است :

جدول ۱. وضعیت شناختی مولفه های هویتی

وضعیت شناختی فرد نسبت به مبانی	درجه‌ی تحقق مؤلفه‌ها	وضعیت نمایان‌شدگی فرایندهای بنیادین
آگاهانه	قوی	کامل
		ناقص
	ضعیف	کامل
		ناقص
نا آگاهانه	قوی	کامل
		ناقص
	ضعیف	کامل
		ناقص

هر یک از حالت‌های فوق یک وضعیت هویتی ویژه‌ای را به‌همراه دارد که در جدول ۲ که تکمیل شده‌ی جدول ۱ است، این وضعیت‌ها نام‌گذاری شده است.

جدول ۲. وضعیت شناختی مولفه های هویتی

وضعیت شناختی فرد نسبت به مبانی	درجه‌ی تحقق مؤلفه‌ها	وضعیت نمایان‌شدگی فرایندهای بنیادین	نام وضعیت هویتی
آگاهانه	قوی	کامل	وضعیت مطلوب
		ناقص	شبه هویت
	ضعیف	کامل	جعل هویت
		ناقص	بحران هویت
نا آگاهانه	قوی	کامل	غیرممکن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

		ناقص	شبه هویت
	ضعیف	کامل	جعل هویت
		ناقص	بحران هویت

اکنون هر یک از این وضعیت‌های فوق را تشریح می‌کنیم.

منظور از هویت مطلوب، وضعیتی است که فرایند هویت‌یابی در عناصر سه‌گانه به‌نحو صحیحی به‌انجام رسیده است، به این معنی که رویارویی فرد با زمینه و مبنای هویتی از روی آگاهی بوده، همه‌ی مؤلفه‌های هویتی در وی به ظهور رسیده و به‌عبارتی این مؤلفه‌ها در وی محقق می‌شود هم‌چنین فرایندهای هویتی به‌طور کامل در فرد شکل می‌یابد. هماهنگی یا هارمونی و سلامت روان‌شناختی از مشخصه‌های این وضعیت است. منظور از وضعیت شبه‌هویت، فرایندی است که فرد پس از متأثرشدن از زمینه‌ی هویتی، مؤلفه‌های هویتی را در وجود خود محقق می‌کند اما قادر نیست تمام فرایندهای هویتی به‌ویژه مرحله‌ی استقرار هویتی را در خود نمایان سازد؛ به‌عبارتی این وضعیت هویتی، مبانی و مؤلفه‌ها را داراست اما فرایندهای هویتی به‌گونه‌ی کامل طی نشده است. جعل هویت به وضعیتی از فرایند هویت‌یابی اشاره دارد که در آن، فرد بدون اینکه بر طبق ملاک‌های مؤلفه‌ها، فرایند هویت‌یابی را تجربه کرده باشد، وانمود می‌کند که فرایندهای بنیادین را پیموده است. بحران هویتی وضعیتی را بیان می‌کند که فرد نسبت به زمینه‌ی هویتی که با آن رویاروست، دچار تشویش و اضطراب شده است و قادر به پیداکردن خود و ایجاد وضعیتی متعادل و آرام نیست؛ یک حالت تردید در فرد وجود دارد چنین فردی نه مؤلفه‌ها را به‌نحو مناسب اکتساب کرده و نه قادر است فرایندهای هویتی را در خود به‌نمایش گذارد و در یک وضعیت سردرگمی به‌سر می‌برد. ناهماهنگی شناختی، تردید، بحران معنا و ازخودبیگانگی از نشانه‌های دیگر بحران هویتی است (ذاکری، ۱۳۹۴: ۱۹۶).

در ارتباط با درجه‌ی تحقق مؤلفه‌ها و وضعیت نمایان‌شدگی فرایندهای بنیادین، لازم است به این نکته توجه کرد که این دو معیار هویت‌یابی در یک طیف که در یک سر آن نقطه‌ی حداکثری یا ماکزیمم و یک سر آن نقطه‌ی حداقلی یا مینیمم واقع بوده، مطرح است. با توجه به این مطلب، در ادامه، هر یک از وضعیت‌های چهارگانه‌ی فوق، به‌صورت نمودار در آمده است.

در نمودارهای پیش‌رو، هر یک از پیکان‌ها، بیان‌گر یک وضعیت هویتی در طیف موردنظر است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

وضعیت هویتی مطلوب:

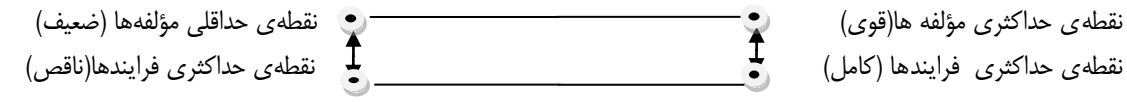

در حالت مطلوب تنها یکی از پیکان‌ها قابل ترسیم‌شدن است. این مطلب، بیان‌گر این است که تنها در یک حالت وضعیت مطلوب ایجاد می‌شود و آن حالت، وضعیتی است که دو سر پیکان در نقاط حداکثری واقع باشد.

وضعیت شبه هویت:

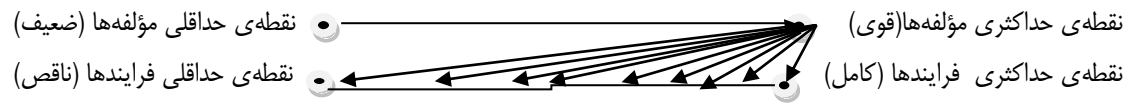

در حالت شبه هویت، کلیه‌ی پیکان‌هایی که یک سر آن نقطه‌ی حداکثری مؤلفه‌ها و سر دیگر آن تمام نقاط مربوط به طیف کامل–ناقص به‌جز نقطه‌ی حداکثری مؤلفه‌هاست، نشان‌گر این وضعیت است. در این وضعیت، بر اساس اینکه فرد در کجای طیف قرار داشته و به‌عبارتی چه‌میزان از مراحل هویت‌یابی را طی کرده باشد، یک تنوع دیده می‌شود.

وضعیت جعل هویت:

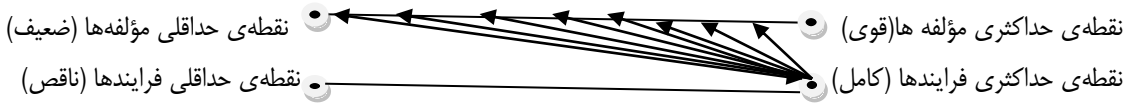

در حالت جعل هویت، تمامی پیکان‌هایی که یک سر آن نقطه‌ی حداکثری فرایندها و یک سر دیگر آن تمامی نقاط طیف ضعیف–قوی به‌جز نقطه‌ی حداکثری مؤلفه‌ها باشد، نمایان‌گر این وضعیت است. در این وضعیت، بر اساس اینکه فرد در کجای طیف قرار دارد، یک تنوع دیده می‌شود. در این وضعیت فرد وانمود می کند که فرایندهای هویتی را پیموده است اما هیچ یک از مولفه‌ها را در نقطه‌ی حداکثری در خود ندارد.

وضعیت بحران هویت:

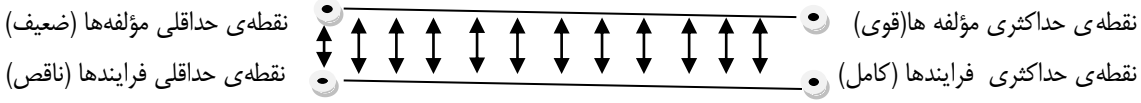

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

در حالت بحران هویت، همه‌ی پیکان‌ها به‌جز پیکانی که از یکی از دو نقطه‌ی حداکثری مؤلفه‌ها و فرایندها و یا هر دو نقطه‌ی حداکثری بگذرد، بیان‌گر این وضعیت هویتی است؛ به‌عبارتی همه‌ی پیکان‌های قابل رسم بین دو طیف، به‌جز پیکان‌های سه وضعیت قبلی یعنی وضعیت‌های مطلوب، شبه هویت و جعل هویت، در این وضعیت مطرح هستند. در این وضعیت، بر اساس اینکه فرد در کجای طیف قرار دارد، یک تنوع دیده می‌شود. این وضعیت درواقع بی‌ثبات‌ترین وضعیت هویتی است.

یکی از حوزه‌هایی که به‌میزان زیادی نقش هویت‌ساز بر عهده داشته و اساساً هویت‌سازی را یکی از وظایف اصلی خود می‌داند، نهاد تعلیم و تربیت است که در جوامع مختلف، وظیفه‌ی ایجاد موقعیت‌های مناسب برای ساخت هویت را برعهده دارد؛ به‌عبارت دیگر، نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای به‌دنبال این است که زمینه‌های هویتی موردنظر خود را پیش‌روی فراگیران قرار دهد. با توجه به این دو مطلب و ارتباط نزدیکی است که بین دو مفهوم تعلیم و تربیت و هویت وجود دارد، در ادامه‌ی پژوهش برآنیم که با استفاده از دانش فراهم‌آمده پیرامون مفهوم‌پردازی صورت‌گرفته از هویت، مسیری را که نظام تعلیم و تربیت برای پرورش هویت، باید در پیش گیرد تا هویت فراگیران به‌نحو مطلوب و پویایی شکل گیرد، مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

هم اکنون به تحلیل و تبیین عمل تعلیم و تربیت در پرورش هویت بر مبنای وضعیت‌های هویت‌یابی فوق می‌پردازیم:

در یک وضعیت مطلوب، فراگیر حضور آگاهانه‌ای در زمینه‌ی مبنایی و موقعیت آموزشی دارد، تمامی مؤلفه‌های یک وضعیت هویتی مطلوب در وی به‌گونه‌ای کامل ظهور و نمود یافته و همه‌ی فرایندهای هویتی یا مراحل هویت‌یابی در مورد وی به‌ثمر نشسته است. البته این نکته را باید اذعان داشت که نگارنده خود قائل به این است که فراهم‌آوردن شرایطی در فضای تعلیم و تربیت که به یک وضعیت مطلوب با مشخصه‌های فوق برسد، امری آرمانی جلوه می‌کند و کمتر امکان محقق‌شدن دارد با این‌حال قصد بر این است که مواردی موردبحث قرار گیرد و مسیری معرفی گردد که شرایط را تاجایی که امکان دارد، به وضعیت مطلوب نزدیک کند. این درحالی است که بیشتر وضعیت‌های فرض‌شده‌ی هویتی، وضعیت‌هایی هستند که مؤلفه‌ها به‌نحو کامل تحقق پیدا نکرده و یا همان مراحل و فرایندها طی نشده است. آنچه بر دشواری کار تعلیم و تربیت در ایجاد وضعیت مطلوب هویتی در فراگیران می‌افزاید، این است که اگر برخی از مؤلفه‌ها حتی یکی از آن‌هابه‌طور کامل در فرد ظهور نیابد،علی‌رغم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

محقق‌شدن مؤلفه‌های دیگر، بازهم وضعیت مطلوب حاصل نشده است. نکته‌ی دیگر این است که از آن‌جایی که بین تحقق مؤلفه‌های هویتی،گونه‌ای ارتباط وجود دارد به‌این صورت که محقق‌نشدن برخی مؤلفه‌ها، کار تحقق مؤلفه‌های دیگر را دشوار می‌کند و به‌نوعی مانع تحقق آن‌هامی‌شود، چنانچه فضای آموزشی در ایجاد شرایط محقق‌شدن برخی مؤلفه‌ها، ضعیف عمل کند، بسترساز عدم‌تحقق مؤلفه‌های دیگر شده است. از این‌رو لازم است، گونه‌ای هماهنگی بین فعالیت‌ها و برنامه‌های تعلیم و تربیت ایجاد شده و کلیه‌ی عوامل دخیل در امر تربیتی کنترل و هدایت شود. این امر لزوم وجود گونه‌ای خودآگاهی درون‌سیستمی را می‌طلبد به‌طوریکه مدام سیستم تعلیم و تربیت در سطوح کلان تا خرد، خود را وارسی کرده و از توان‌مندی و جهت‌مندی در تحقق و بسترسازی ایجاد وضعیت مطلوب بکوشد. نظام تربیتی، به‌طورکلی و مجریان در سطح آموزشگاه‌ها به‌طور جزء باید با حضور آگاهانه در میدان هویت‌بخشی به فراگیران، به‌طور مداوم سازگاری مبانی پیش‌رویآن‌ها با مبانی پیشین هویتی را بررسی کند. حضور آگاهانه و همراه با تدبر در مبانی و زمینه‌های هویتی برای شکل‌گیری هویت سالم امری اساسی است که باید از سوی دست‌اندرکاران عمل تربیتی دنبال شود. وجود خودآگاهی در اینجا در شناخت وضعیت‌های هویتی پیشین و مبانی آن‌ها و امر تطبیق مبانی جدید با مبانی پیشین از سوی نظام تربیتی یک اصل است. چنین حضور آگاهانه و هوشیارانه‌ای، هم از سوی مجریان، متخصصان و دست‌اندرکاران امر تربیت و هم از طرف فراگیران به‌عنوان تجربه‌کننده‌ی این زمینه‌ها ضروری است چراکه یک فرصت‌سازی جهت بررسی گزینه‌های هویتی و انتخاب را پیش‌روی فرد قرار داده و از تحمیل و القای زمینه‌های خاص هویتی ممانعت به‌عمل می‌آورد.

در خصوص نوع ارتباط فرد با مبانی، این ارتباط می‌تواند آگاهانه و فعال یا ناآگاهانه و منفعل باشد. دست‌اندرکاران تربیتی با اطلاع از این امر، شرایطی را فراهم آورند که فراگیر با احساس حضور و آگاهانه در زمینه‌های مبنایی که در قالب موقعیت‌های آموزشی تدارک دیده می‌شود، ورود پیدا کند. لازمه‌ی این امر معناداربودن و متناسب‌بودن موقعیت‌های یادگیری با سطح رشدی فراگیران و همچنین به‌کارگیری روش‌هایی فعال که فراگیران حضور پررنگ حتی در تدارک محتوا، اهداف و موقعیت آموزشی دارند، است. از این‌رو مجریان امر آموزش و پرورش باید آگاه باشند که صرف رویاروشدن فرد با زمینه‌ی هویتی که در اینجا همان زمینه‌ی تربیتی است، کافی نیست بلکه باید زمینه‌ی حضور آگاهانه‌ی فراگیر را فراهم ساخت. در خصوص مؤلفه‌های هویتی هر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

یک از مؤلفه‌ها متشکل از مجموعه‌ای از ملاک‌های مشخص است. در درجه‌ی اول،دست‌اندرکار تربیتی لازم است از این ملاک‌ها آگاهی داشته و در درجه دوم از تحقق تمامی ملاک‌ها در فراگیر به‌گونه‌ای مطلوب اطمینان حاصل کند چراکه تحقق ناقص یک مؤلفه نیز راه را برای هویت‌مندشدن فراگیر می‌بندد.

یکی از وضعیت‌های هویتی که باید روی آن به‌ویژه در فضای تعلیم و تربیت به‌شدت حساس بود، وضعیت شبه‌هویت است که امکان و تنوع شکل‌گیری آن زیاد است. بر اساس این وضعیت، مؤلفه‌های هویتی در فرد متبلور شده و فرایندها تا حدودی طی شده است اما فرد به مرحله‌ی استقرار هویتی نرسیده است. حتی در مواردی فرد به مرحله‌ی ابتلا و استغراق می‌رسد اما معرفت را به‌عنوان مرحله‌ی پایانی و کمال هویت تجربه نمی‌کند. در چنین شرایطی، لازم است فرایند تعلیم و تربیت به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شود که ملاک را بر رساندن فراگیر به درک و بینش در ارتباط با زمینه‌های یادگیری گذاشت. از این‌رو تاکید در آموزش و پرورش باید بر رشد مفاهیم و توسعه‌ی معنا در فرد باشد چراکه تنها با رسیدن فرد به مرحله‌ی معنا و تفهم است که امکان هویت‌مندی به‌نحو مطلوب فراهم می‌آید.

در خصوص وضعیت جعل هویتی، بسیار اتفاق می‌افتد که فراگیر از روی ترس از تنبیه یا محرومیت و یا صرفاً برای کسب نمره و اعتبار در کلاس وانمود می‌کند که محتوای یادگیری را درک کرده و بخشی از وجودش شود لذا مجری تعلیم و تربیت باید شرایطی را ایجاد کند که ظاهرگرایی و دورویی را از محیط آموزشی دور سازد و واقع‌نگری و صداقت را در موقعیت‌های آموزشی وارد سازد. در اینجا نیز تاکید بر باطن به‌جای ظاهر و معنا به‌جای صورت است. بر این اساس در فضای تعلیم و تربیت، لازم است، تاکید را بر رویاروساختن فراگیران با واقعیات وجودی، پرورش روحیه‌ی صداقت و یک‌رنگی، ایجاد فضای شفاف و روشن و تجربه‌ی شخصی ملاک‌های هویتی گذاشت.

در خصوص وضعیت بحران هویتی، تاجایی که امکان دارد باید فضاهای اضطراب‌زا و پرتنش را از زمینه‌های یادگیری زدود و جوی ایجاد نمود که فرد با اعتماد به نفس و حفظ حضور و با آرامش، مسیر یادگیری را بپیماید. چنانچه فضای تربیتی به‌گونه‌ای طراحی گردد که فراگیر این احساس را داشته باشد که در یک جو صمیمی، دوستانه و مطمئن و یکپارچه و آشنا حضور یافته است، امکان هویت‌مندی برای وی تسهیل می‌شود. چنین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

فضایی فراگیران را با روحیات، فرهنگ‌ها، تجارب و دیدگاه‌های مختلف می‌پذیرد و مطابق با این شاخص‌ها طراحی می‌گردد.

رشد در ارتباط با پرورش هویت در فراگیران به این معنا است که مجری تربیتی تا آنجا که موقعیت و فضا همراهی می‌کند، به نقاط حداکثری مؤلفه‌ها و فرایند نزدیک و از نقاط حداقلی فاصله می‌گیرد که این امر نیازمند هماهنگی بین کلیه‌ی اجزا، عناصر و عوامل تعلیم و تربیت است. کلیه‌ی تلاش‌هایی که در این جهت در تعلیم و تربیت صورت می‌پذیرد، قابل ارج‌نهادن است؛ هر چند به نقاط موردنظر پایانی ختم نشود. نکته‌ی دیگر لازم‌التوجه این است که به‌ظهوررسیدن کامل مؤلفه‌ها در فرد به‌معنای رسیدن به حالت مطلوب هویتی نیست بلکه در کنار تکامل مؤلفه‌ها، لازم است که فرایندها نیز تکامل یابد. به‌عبارتی این دو عنصر کلیدی هویتی باید به موازات هم رشد کنند تا رشد هویتی حاصل آید، هرچند که مولفه‌ها، خود، در دل فرایند می‌گنجند. با توجه به اینکه مؤلفه‌ها و فرایندها در یک طیف وسیعی محقق می‌شوند، با یک کثرت در وضعیت‌های هویتی مواجه هستیم. یکی از آسیب‌هایی که فرایند تعلیم و تربیت را در عمل تهدید می‌کند، این است که عمل تربیتی ناقص رها می‌شود و در بسیاری از موارد به حداقل‌ها قانع شده و از رسیدن به کمال باز می‌ماند. این اتفاق به‌ویژه در نظام‌های رتبه‌ای و نمره‌ای نمود می‌یابد. این درحالی است که وضعیت‌های مطلوب هویتی، زمانی امکان تحقق را می‌یابد که اهداف و فرایندهای تعلیم تربیت به‌نحو مطلوبی جامه‌ی عمل بپوشند. در این وضعیت صرف قبولی و ارتقا مطرح نیست بلکه مهم،محقق‌شدن جریان‌های تربیتی در فراگیر است به‌گونه‌ای که مضامین تربیتی، بخشی از وی می‌گردد.

یکی از نکات اساسی در بحث طرح وضعیت‌های هویتی در تعلیم و تربیت، پاس‌داشت تمامی زمینه‌های هویتی موردنظر نظام تعلیم و تربیت و موردنیاز فراگیر و برنامه‌ریزی جهت توسعه و تکامل تمامی این زمینه‌ها است به‌طوریکه هیچ یک از زمینه‌های هویتی بر دیگری استیلا و تفوق نداشته باشد و هیچ زمینه‌ی هویتی به حاشیه رانده نشود. از آن‌جا که هر یک از زمینه‌های هویتی، یکی از ابعاد خاص وجودی فراگیر را موردتوجه قرار می‌دهد، عدم‌توجه به هر یک از زمینه‌ها، یک نقص هویتی را در سیستم شخصیتی فرد ایجاد می‌کند. از این‌رو وجود یک جامعیت در پرورش ابعاد مختلف هویتی باید موردتوجه تنظیم‌کنندگان برنامه‌ی درسی و مجریان عمل تربیت قرار گیرد. مسئله‌ای که در اینجا باید موردتوجه قرار گیرد، این است که وجود جامعیت و تنوع وضعیت‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

هویتی به‌خودی‌خود کافی نبوده بلکه برای داشتن هویت سالم و پویا، وجود یک توافق و همخوانی بین وضعیت‌های مختلف هویتی نیز باید به‌شدت موردتوجه قرار گیرد. لازمه‌ی این امر این است که زمینه‌های مختلف تربیتی از یک تجانس درونی برخوردار بوده و به تحقق اهداف موردنظر بینجامد. برای مثال مضامین و محتوای علوم اجتماعی با مباحث دروس ادبیات، تاریخ و معارف دینی همخوانی داشته باشد. ازطرفی هریک از این رشته‌های دانشی، در درون خود نیز از همگونی برخوردار باشند. عدم وجود توافق بین زمینه‌های مبنایی یادگیری، تضاد هویتی را به‌همراه خواهد داشت که خود به وضعیت‌های نامطلوب بحران و جعل هویتی می‌انجامد. یکی از لوازم جلوگیری از ایجاد تضادهای هویتی، مبناقرارگرفتن فطرت انسانی در مرکز فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های تعلیم و تربیت است چنانچه موقعیت‌های تربیتی با فطرت انسانی سازگار و همسو باشد، یک فرصت مناسبی برای رشد صحیح و مطلوب هویتی را می‌توان انتظار داشت.

یکی از اقدامات اساسی در فضای تعلیم و تربیت در راستای حفظ انسجام هویتی بحث بازسازی مستمر وضعیت کلی هویتی است. لازم است، فراگیر را از رویاروشدن با منابع جدید هویت هوشیار ساخته و وی را ترغیب و توانا به بازسازی مداوم وضعیت‌های خود نمود. امر بازسازی هویتی که رشد وضعیت کلی هویتی را در پی دارد، فرایندی است که بایستی از سمت خود فراگیر اتفاق افتد. کار اصلی مجری تعلیم و تربیت، رشد آگاهی نسبت به موقعیت‌های آموزشی و موقعیت‌های پیش‌روی فراگیر در جامعه و توسعه‌ی مهارت‌های تصمیم‌گیری، تغییر و انتخاب‌گری و تعریف تعلیم و تربیت نیز بازسازی وضعیت‌های موجود هویتی در جهت سازگاری و درک شرایط جدید است. در این راستا، لازم است فراگیر آگاهانه و به‌طور مداوم در جهت بازسازی هویتی و رسیدن به انسجام و هماهنگی هویتی عمل کند که این نشان از پویایی فرایند هویت‌یابی دارد. دامنه‌ی این بازسازی از ساختار هویتی موجود تا بازسازی تجارب و ساخت شناختی گستره دارد. فراگیر آگاهانه با موقعیت‌های جدید آموزشی در فضای تعلیم و تربیت و با موقعیت‌های اجتماعی در فضای کلی جامعه، مواجه شده، سازگاری و ارتباط زمینه‌های جدید را با ساختار فعلی هویتی بررسی کرده و سپس اقدام به شکل‌دادن وضعیت هویتی جدید و یا کنارگذاشتن زمینه‌ی هویتی می‌کند. نکته‌ی مهم این است که این کنارگذاشتن نیز باید آگاهانه و با ارائه‌ی دلایل قوی باشد چراکه ممکن است این زمینه به‌طور ناخودآگاه روند هویتی فرد را متاثر سازد. روند سلسله‌مراتبی بررسی سازگاری هویتی بدین گونه است که ابتدا سازگاری زمینه‌ی هویتی با زمینه‌های موجودی که از این نوع مبانی، برای مثال

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

مبانی اجتماعی، متاثر است، بررسی شده و سپس سازگاری زمینه‌ی هویتی با سایر زمینه‌های مبنایی موردتوجه قرار می‌گیرد. چنانچه این سازگاری‌ها موردتایید قرار گیرد، فرد وارد چرخه‌ی هویت‌یابی می‌شود. با این تفاسیر، فضای تعلیم و تربیت، مکان و فرصتی برای تمرین چنین جریانی است.

در بحث بازسازی هویتی باید منعطف بود چراکه گاهی نیاز است، تغییرات اساسی در ساختار فعلی هویتی ایجاد کرد. فراگیر را باید در مسیری پیش برد که خود، مدیر هویتی خویش گردد. این مهارتی است که بنای آن باید به‌وسیله‌ی تعلیم و تربیت نهاده شود. کاری که نهاد تعلیم و تربیت و به‌طورکلیه‌ی نهادهای جامعه در راستای کاهش زمینه‌ی ایجاد تضاد هویتی باید به انجام رسانند، این است که تاجایی‌که امکان دارد، از ورود زمینه‌های ناسازگار با زمینه‌های فعلی فراگیران ممانعت به‌عمل آورد. دست‌اندرکار تربیت نه‌تنها باید فراگیر را آگاهانه در فرایند تدریس و زمینه‌های تحصیلی خود شرکت دهد بلکه باید درکی از زمینه‌های جدید هویتی را که در جامعه در انتظار وی است، فراهم سازد هم‌چنین با گزینش زمینه‌های تحصیلی از بین وقایع و جریانات اجتماعی که فراگیر قرار است، وارد آن شود، همخوانی منطقه‌های موجود را با منطقه‌های هویتی جدید و آینده بیشتر کند. در جریان عمل تربیتی، چنانچه به‌هر دلیل فراگیر درگیر یک زمینه‌ی هویتی شود که این زمینه با زمینه‌های قبلی تحصیلی و هویتی وی همخوانی ندارد و به‌نوعی متناقض است، کنارگذاشتن سریع این زمینه از سوی مجری عمل تربیتی کاری نابجاست چراکه برای حذف یک زمینه‌ی هویتی باید همان مسیری طی شود که فراگیر برای کسب آن زمینه پیموده است. از این‌رو باید به‌تدریج این مؤلفه‌ها و فرایندهای این زمینه را خاموش و محو کرد به‌طوریکه اثری از آن باقی نماند هم‌چنین بعد از حذف، بایستی مراقب بود تا آن وضعیت بازگشتی نداشته باشد.

از آنجا که ریشه‌ی بسیاری از تضادهای هویتی به معیوب بودن سیستم هویتی فرد برمی‌گردد، لازم است که آموزش پیش از دبستان و به طور کلی آموزش خارج از مدرسه تقویت گردد و جهت داده شود و برنامه‌های آن در جهت اهداف دوره‌ی دبستانی تنظیم گردد چراکه چنانچه در این دوره وضعیت‌های هویتی به‌نحو مطلوب و هم‌راستا با سیستم هویتی موردنظر نظام تعلیم تربیت نباشد، فرد با مشکلات هویتی مواجه خواهد شد. اگر تعلیم و تربیت بتواند یک سیستم پویای هویتی را برای فراگیر رقم زند، وی را مجهز به یک دژ محکم در برابر زمینه‌های جدید و ناآشنای هویتی می‌سازد. از این‌رو تعلیم و تربیت باید حداکثر توان خود را به‌کار گیرد تا بهترین وضعیت‌های هویتی را در فراگیر پرورش دهد و همچنین در سطح کلان، شرایط جامعه طوری سازمان یابد که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

بهترین و همسازترین زمینه‌های هویتی پیش‌روی افراد قرار دهد. ناهماهنگی در این سطح، هر چند محدود و کوچک باشد، باز هم اثرات نامطلوب زیادی در پی خواهد داشت و یک چالش دائمی هویتی را به‌همراه دارد.

نتیجه گیری

همانطور که بحث آن گذشت در ارتباط با هر یک از وضعیت‌های هویتی، دستورالعمل‌هایی پیرامون عمل تربیتی در ارتباط با چهار مورد از ارکان و عناصر اصلی تعلیم و تربیت شامل اهداف، محتوا، روش و اصول ارائه گردید و بیان شد برای اینکه وضعیت‌های هویت‌یابی در جریان هویت‌بخشی تعلیم و تربیت محقق شود، هر کدام از ارکان چهارگانه‌ی فوق باید بر مبنای ملاک‌های ویژه‌ای تدوین و اجرایی شود.

در بحث‌هایی که بر مبنای وضعیت‌های فوق صورت گرفت، مشخص می‌شود که این خود فراگیر است که باید مسیر هویت‌یابی را طی کند و در واقع وظیفه‌ی اصلی تعلیم و تربیت ایجاد بستر مناسب و امکان رویارویی به زمینه‌های اساسی و مهم هویتی است. چنانچه در بحث های هدف‌گذاری، روش‌ها و موقعیت‌های یادگیری، این فراگیر است که در مرکز قرار دارد و در واقع محور و اساس برنامه‌های تعلیم و تربیت است.

تعلیم و تربیت باید با ایجاد موقعیت‌هایی که امکان تصویرسازی فراگیر از خود فراهم آید، فراگیر را وارد چرخه‌ی هویت‌یابی کند. به‌این منظور، دست‌اندرکاران تربیتی باید فرصت‌هایی را برای رویارویی فرد با خود مواجه سازند. منظور از این ایده این است که آن دسته از موقعیت‌های آموزشی تدارک دیده شود که فراگیر توانایی‌ها، علایق، استعدادها و خواسته‌های فردی خود را در فرایند یادگیری به‌کار گیرد. موقعیت‌های آموزشی باید به‌گونه‌ای تنظیم و طراحی گردد که فرد نشانه‌هایی از خود را بروز دهد و به‌واسطه‌ی آن نشانه‌ها، شکلی از خود را به دیگران معرفی کند. موقعیت‌ها باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که فرد با تمام وجود درگیر زمینه‌ی تربیتی شود، در آن غرقه شده و خود را به آن وابسته داند. در چنینی وضعیتی فرد کاملاً از محتوا و ضمائم یادگیری آگاهی پیدا می‌کند.

نکته‌ی مهمی که باید موردتوجه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد، این است که پس از رویارویی با یک زمینه‌ی هویتی، یک درگیری پایان‌ناپذیر برای فراگیر ایجاد می‌گردد و تا نرسیدن به یک وضعیت مطلوب و پایدار، این درگیری ادامه خواهد داشت. از این‌رو لازم است، زمینه‌هایی پیش‌روی فراگیر قرار گیرد که از معیارهای لازم که بحث آن در قسمت مؤلفه‌ها گذشت، برخوردار باشد و اینکه مدام وضعیت‌های هویتی فراگیران موردبررسی قرار گیرد تا این اطمینان حاصل شود که مسیر صحیح درحال پیموده‌شدن است. لازمه‌ی این امر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

آشنایی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت با وضعیت‌های مختلف هویتی است تا بتوانند وضعیت موجود هویتی فراگیر را تشخیص دهند.

فرایند تعلیم و تربیت، فرایند گفتمان دائمی بین مبانی پیشین هویتی با مبانی جدیدی است که امکان رویارویی فراگیر با آن وجود دارد و همچنین زمینه‌های مبنایی که فراگیر هم‌اکنون و در زمینه‌ی تحصیلی پیش‌رو، درگیر آن است، برقرار شود. چنین گفتمانی با بالابردن سطح آگاهی هویتی، امکان شکل‌گیری هویت پویاتر را ایجاد می‌کند و کوشش دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت باید بر این باشد که تا آنجا که ممکن است، فراگیران را با زمینه‌های جدید و متنوع هویتی مواجه ساخته و دامنه‌ی هویتی وی را توسعه دهد.

منابع

ابراهیمی، نبی‌الله . (۱۳۸۹) . "هویت ، دنیای مجازی، مشارکت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی". *گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی*، ص: ۱۰-۳۷

ابوالحسنی، حسن. (۱۳۸۷). "مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی"، *فصلنامه‌ی سیاست*، شماره ۴، ص۱-۲۲

اخگری، محمد. (۱۳۹۰). "هویت انسانی در رسانه‌های مجازی". *ماهنامه‌ی علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت*. شماره ۴، ص: ۲۸-۳۱

جوانی، حجت‌الله(۱۳۸۴)؛ "هویت دینی یا هویت های دینی"، *فصلنامه ی اسلام پژوهی*، شماره ۱، ص: ۱۳۵-۱۵۴

خسروی، آرش. (۱۳۸۹). " مفهوم‌شناسی هویت در فضای سایبر". *مجله‌ی ره‌آورد نور*، شماره۳۲، ص: ۶-۱۱

ذاکری، مختار (۱۳۹۴)؛ *مفهوم‌پردازی هویت و کاربرد آن در تعلیم و تربیت: پژوهشی پدیدارشناسانه*، رساله‌ی دکتری در دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)؛ "هویت ایرانی و دینی در ضربالمثل های فارسی"، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ش ۲ ، ص ۲۹-۵۲

راهدار، احمد (۱۳۹۰)؛ "رابطه ی هویت و دین، فصلنامه‌یاندیشه‌ی نوین دینی" شماره ۲۶، ص ۱۶۵-۱۸۴

ربیعی، علی.(۱۳۸۷). "رسانه های نوین و بحران هویت". *فصلنامه مطالعات ملی*. سال نهم، شماره ۴ ، ص: ۱۵۰-۱۷۵

رجایی، فرهنگ. (۱۳۸۵). *مشکله‌ی هویت ایرانیان امروز*. تهران: نی.

رضایی، سیدمحمد و جوکار، محمدصادق. (۱۳۸۸). "بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی"، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره‌ی ۴، ص ۵۶-۸۸

رفعت جاه، مریم و شکوری، علی. (۱۳۸-). "اینترنت و هویت مجازی"،ص: ۵۴-۷۰

ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۸۴). "هویت‌شناسی دینی در اسلام و غرب". *فصل‌نامه‌ی آندیشه‌های فلسفی ۳*، سال اول، شماره۳، ص: ۸۰-۵۳

شمشیری، بابک (۱۳۸۷)؛ *درآمدی بر هویت ملی*، شیراز: نوید.

علی پور، فاطمه. (۱۳۸۳). *بررسی رابطه ی سبک های هویت و ابعاد هویت در دانشجویان دانشگاه شیراز و دانش اموزان سوم متوسطه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته‌ی جامعه شناسی، دانشگاه شیراز.

علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳)؛ *مبانی نظری هویت وبحران هویت*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۱)؛ "هویت دینی و چالش‌های آن"، *نامه‌ی پژوهش*، ش ۲۲و۲۳ ، ص ۱۸۰-۲۰۸
فیاض، ایراندخت. (۱۳۹۰)؛ "پرسشگری راهبرد هویت پایدار دینی در قران کریم"، *فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت*، ش ۹۸، ص ۳۷-۶۵
گودرزی محمود و همکاران. (۱۳۸۹). "بررسی هویت ملی و دینی جوانان کشتی‌گیر و فوتبالیست شهر تهران". *فصل‌نامه‌ی المپیک*، دوره ۱۸، شماره ۳، ص: ۲۱-۳۱
نصری، قدیر. (۱۳۸۸). "مبانی هویت ایرانی"، *فصل نامه‌ی مطالعات ملی*، شماره‌ی ۳، ص۱۹۰-۱۹۹

Charles Lindholm. (2008). *Culture And Identity*. New York: Onewold Publication
Maykut.P. and Morehouse, R. (1994).*Beginning Qualitative Research*. London: The Falmer press
Paranjpe Anand .c . (2002). *In Search Of Identity*. New York: Ahalsted press book

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]

The Role of Education in Identity Status Interpretation of Human Development

Morteza Chemel Nezhad[1], Mokhtar Zakeri[2]

Abstract

The concept of identity with the question "Who am I?" remains the first stage of human awareness. The identity of each subsequent stage has been affected by the terms and textural characteristics of societies and eras. Particularly attention is paid to the concept of self in most of the time. The authors investigate concept of identity in Space Education and explained how education functions in the identity status. The main question include "how education must act according to the identity status?". The study used a qualitative approach and upon analysis deductive method was applied for results. The results show that students tend to follow the path of learning. In fact, the main task of education is to create appropriate opportunities and fields of endeavor for students, also education must provide ability to deal with fundamental and important real life issues. In discussions of targets, methods and learning opportunities, student is located in the center of the program.

Keywords: Identity; Practice of Education; Identity Status; Elements of Education

1. MA, Islamic Education, Payam Noor university of Tehran, mchn63@yahoo.com
2. PhD, Philosophy of Education, Farhangian University, mokhtarezakeri@yahoo.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.115]